

سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران

۲۰۱۸-۲۰۱۲

فرهاد فولادی^۱

محمد یوسفی جویباری*

جعفر جمشیدی راد^۲

چکیده

۱۸۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و یکم

بهار ۱۳۹۸

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بازیگری است در ردیف قدرت‌های منطقه‌ای و رو به سمت قدرت جهانی شدن که شاهد تغییر در اولویت‌های راهبردی آن بوده‌ایم. جمهوری اسلامی ایران بعد از فروپاشی شوروی، جایگاه متمایزی در سیاست خارجی روسیه دارد. روابط ایران و روسیه فارغ از الزامات ناشی از همجواری جغرافیایی، سوابق تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و روابط منطقه‌ای همواره یکی از مسائل مورد توجه در سه سطح داخلی در میان نخبگان ایران و روسیه، سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در دوران ریاست جمهوری پوتین به ویژه از سال ۲۰۱۲، ایران از اهمیت قابل توجهی در سیاست خارجی روسیه برخوردار شد و جهت‌گیری آن به سمت مشارکت راهبردی روسیه در منطقه خاورمیانه سوق پیدا کرد. در پرتو این رویکرد، روابط گسترده ایران و روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی در سطح دو متحد استراتژیک ارتقا یافت. سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که رویکرد حاکم بر روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ چگونه بوده است؟ در پاسخ باید گفت که رویکرد اصلی سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران متأثر از تفاوت هویتی روسیه از غرب و شباهت‌ها با جمهوری اسلامی ایران در تقابل با غرب بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: روابط خارجی، روسیه، جمهوری اسلامی ایران، پرونده هسته‌ای ایران، برجام.

۱. دانشجوی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

* sayehsar.yousefi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و یکم، صص ۲۱۸-۱۸۷

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بستر همکاری‌های اقتصادی و فنی ایران و روسیه فراهم شد و این تصور به وجود آمد که روسیه جدید می‌تواند متحدی نیرومند برای برقراری مناسبات با ایران باشد؛ اما برخلاف دوران حاکمیت حزب کمونیست، ساختار نظام تصمیم‌گیری در جمهوری فدراتیو روسیه یکپارچه نیست و در چند دهه گذشته، رویکردهای متفاوتی در رابطه با چگونگی و سطح روابط با مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله ایران تجربه کرده است. بحران سوریه و صف‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بستر مناسبی را برای همکاری دو کشور فراهم کرد. ایران و روسیه همسایگان تاریخی هستند که از دیرباز روابطی با فراز و فرود را پشت سر نهاده‌اند. با وجود تمایل رهبران دو کشور به گسترش همکاری‌های دوجانبه، طی چند دهه گذشته عملاً روابط ایران و روسیه تحت تأثیر عوامل مختلف، از جمله عامل غرب، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است.

روابط ایران و روسیه، فارغ از ضرورت‌های ناشی از همجواری جغرافیایی، سوابق تاریخی و نیازهای اقتصادی، به دلیل موقعیت ویژه‌ای که هر یک از دو کشور در عرصه سیاست بین‌الملل دارند، از سوی محافل بین‌المللی مورد توجه خاصی قرار داشته است. عوامل متعددی مانند ثروت‌های طبیعی عظیم موجود در دو کشور (نفت و گاز)، نیروی انسانی، توانایی‌های نظامی، تأثیرات منطقه‌ای و عامل آمریکا و غرب که همراه با بسیاری عوامل دیگر باعث شده تا روابط مسکو - تهران اهمیت ویژه‌ای به خود بگیرد. با وجود تردیدهای موجود میان دو طرف درباره رفتار و سیاست‌های یکدیگر، این دو کشور منافع مشترک بسیاری در آسیای مرکزی و خاورمیانه بویژه در سوریه دارند. دو کشور همچنین تضادهای مشترک عمیقی با سیاست خارجی آمریکا داشته و آمادگی دارند و در زمان مناسب با این سیاست‌ها مخالفت خود را اعلام کنند. در این میان، همگام با وخیم‌تر شدن روابط روسیه با ایالات متحده و غرب از زمان آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، مسکو تلاش‌های خود را برای گسترش روابطش با ایران افزایش داده است. این افزایش همکاری‌ها باعث شده تا روابط دو کشور به سطح استراتژیک برسد. روش

تحقیق این پژوهش، روش تطبیقی و توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از نظریه نئوریالیسم به بررسی سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

۱. چهارچوب نظری؛ سازه انگاری

والتز در «نظریه سیاست بین‌الملل» بر این است که این ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی است که رفتار واحدها را تعیین می‌کند و فشار ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی موجب می‌شود که دولت‌ها فارغ از ویژگی‌های درونی و یا هویتشان همگی رفتاری مشابه در سیاست بین‌الملل داشته باشند (Waltz, 1979). بر این اساس در واقع الزامات ساختاری و یا به عبارتی انگیزش بقا در آنارشی دولت‌ها را ناگزیر از تقوای قدرت به مثابه رفتاری یکسان می‌نماید. ونت با نقد نظریه ریالیسم ساختاری والتز این دیدگاه را ارائه کرده است که سیاست بین‌الملل واقعیتی است که به شکل اجتماعی ساخته و پرداخته شده است. ونت بین نیروهای مادی و نیروهای معنایی در حیات بین‌المللی تمایز قائل می‌شود و بر این باور است که هنگامی که بین نیروهای مادی و نیروهای معنایی تمیز قائل شویم می‌توانیم تبیین حیات اجتماعی را آغاز نماییم، ونت بر این است که جهان اجتماعی یک واقعیت است اما این واقعیت واقعیتی غیرمادیست و قابل شناخت است (ونت، ۱۳۸۴: ۲۲۱). بر این اساس ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی یک واقعیت مادی و لایتغیر نیست بلکه یک واقعیت معنایی است یا یک فرهنگ است که به مثابه یکی از سه فرهنگ هابزی، لاکو و یا کانتی تکوین می‌یابد و هر کدام از فرهنگ‌های سه گانه آنارشی پیامدهایی متفاوت برای دولت‌ها در پی خواهد داشت. بنابراین ساختار آنارشی بیش از آنکه مادی باشد پدیده‌ای فرهنگی و معنایی است که بسته به غلبه هر کدام از فرهنگ‌های سه گانه، منطق‌هایی متمایز خواهد داشت (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۵۱). در فرهنگ هابزی دولت‌ها دشمنان یکدیگر تصور می‌شوند، در فرهنگ لاکو دولت‌ها برای یکدیگر به مثابه رقیب هستند و در فرهنگ کانتی نیز دولت‌ها برای یکدیگر به مثابه دوست هستند. با توجه به سه فرهنگ متفاوت از آنارشی سه منطق متفاوت از آنارشی نیز وجود دارد.

ونت از سویی نیز بر این است که دولت‌ها به مثابه مهم‌ترین بازیگران در سیاست بین‌الملل کنشگرانی عمیقاً اجتماعی هستند و منافع دولت‌ها نیز درون زاد است به این معنا که منافع دولت‌ها چیزی مسلم و از پیش داده شده نیست بلکه برآمده از معانی بین‌الذهانی است و همانگونه که معانی بین‌الذهانی تغییر می‌نمایند، ارجحیت‌ها و منافع دولت نیز تغییر می‌کنند (برچیل و دیگران، ۲۴۸-۱۳۹۱:۲۴۶). ونت سعی در تبیین سیاست بین‌الملل دارد و آنگونه که اذعان می‌نماید این نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، تبیینی تکوین‌گرایانه از سیاست بین‌المللی است و برای درک سیاست خارجی دولت‌ها ارائه نشده است. اما پژوهشگران برای بررسی سیاست خارجی دولت‌ها، تکوین‌گرایی ونت را به کار بسته‌اند. بر این اساس هویت دولت‌ها چیزی است که در بستر تاریخی تکوین می‌یابد. هویت مهم‌ترین مؤلفه در تعیین سیاست خارجی دولت‌هاست. از دیدگاه وی، هویت خصوصیت و یا ویژگی‌ای است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند دارند و موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری می‌شود. به عبارتی هیوت یک ویژگی ذهنی در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگران از خود دارد و در چهارچوب جهانی خاص که به طور اجتماعی ساخته شده است، معنا پیدا می‌کند هویت کیستی دولت‌ها را تعریف می‌نماید و ارجحیت‌ها و منافع دولت‌ها را شکل می‌دهد، هویت دولت‌ها دستخوش تحول می‌شود و در پی آن رفتار بیرونی یا سیاست خارجی دولت‌ها نیز تغییر می‌نماید (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). از دیدگاه ونت، هر کدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل، نوعی هویت دارند که به رفتار آن‌ها در نظام بین‌المللی شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته و عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). در این راستا، درک روسیه از نظام بین‌الملل و همچنین جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ در این چهارچوب قابل بررسی است. در واقع، به نظر می‌رسد که تفاوت‌های هویتی روسیه با غرب باعث نزدیکی روسیه با ایران در این دوره زمانی شده است.

۲. رویکرد جدید سیاست خارجی روسیه

در روند تصمیم سازی استراتژیک و تلاش برای ارتقای جایگاه روسیه، پوتین با تاکید بر فرصت طلبی راهبردی و همچنین نظر به اهمیت زیاد عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عملگرایانه که مبتنی بر عینی گرایی است، اقتصادی کردن سیاست خارجی را بسیار مورد توجه قرار داد. با توجه به اینکه روسیه از جانب تهدیدهای بسیاری احساس خطر می کرد، تعامل گزینشی یک مؤلفه بسیار کارآمد در سیاست خارجی عملگرایانه پوتین محسوب می شد که چند کارآیی داشت. اول: توسعه مفهوم سیاست خارجی و امنیتی روسیه به دو بعد سخت و نرم؛ دوم: ضمن تفکیک فرصت ها و تهدیدهای کشور در یک گستره وسیعی از ابعاد نرم و سخت، تلاش گردید که منافع کشور در حوزه های گوناگون بر اساس اصل شرط بندی بر روی قویتر و همکاری با کارآمدترین طرف و بازیگر خارجی تأمین نماید. تأکید بر روی مبارزه با تروریسم هم نیز برای تقابل با سرایت تروریسم به حلقه های امنیتی این کشور و همچنین ممانعت از حاکمیت ژئوپلیتیک تروریسم با حمایت غرب و به ضرر روسیه و تقویت سیاست های یک جانبه گرایانه آمریکا بود به همین خاطر است که در عمل سیاست گرایش به سمت شرق، تاکید بر چند جانبه گرایی و موازنه نرم را در دستورکار قرار داد. درحقیقت روس ها امیدوار هستند با اتخاذ این سیاست ها گستره تهدیدهای امنیتی متوجه خود را کاهش دهند و اهداف غایی فدراسیون روسیه را در عین حال جامه عمل بپوشانند (منصوری آرانی، ۱۳۹۵: ۱۵).

بعد از تحركات اوکراین که به سمت غرب حرکت کرد و به عنوان یک خط مقدم برای روسیه قلمداد شد روسیه جزیره کریمه را گرفت و با انجام یک انتخابات جزیره کریمه به روسیه انضمام پیدا کرد. به دلیل این که جزیره کریمه از لحاظ راهبردی و استراتژیک بسیار مهم است؛ همان طور که می دانید دو استراتژی در دنیا مطرح بوده است، استراتژی بحری که آمریکایی ها بیشتر در مورد آن کار می کنند و یگان های دریایی و زمینی و هوایی شان را با استفاده از دریاها به حرکت در می آورند، روس ها بیشتر با تکیه بر نیروهای زمینی بر آن استراتژی اعتقاد دارند. جزیره کریمه از این بعد بسیار برای روسیه اهمیت داشت که می توانست راهبردش را به استراتژی بحری آمریکا متصل کند،

لذا به خاک روسیه انضمام داد و این آغاز درگیری‌های جدیدی بین روسیه و غرب و بالاخص آمریکا شد و آن‌ها تهدید کردند و بعد سعی کردند تحریم‌هایی را اعمال کنند تا فشار فزاینده‌ای به روسیه وارد شود تا این کشور تسلیم شود، اما مشخص بود که روسیه حتی اگر جنگ جهانی سوم رخ می‌داد از بازگرداندن کریمه استنکاف می‌کرد اما در فشار تحریم‌های آمریکا و غرب که قصد داشتند این کشور را منزوی کنند اقدام به حرکت جدیدی کرد و آن حرکت در حقیقت حضور فعال‌تر در سوریه در کنار ایران بود، این استراتژی بخوبی حرکت دفاعی روسیه را به حالت تهاجمی تبدیل کرد (Tsygankov, 2019: 228-229).

در حقیقت ورود روسیه به سوریه اجازه نداد روسیه در آن حالت انزوا و سکون باشد و لذا نقش فعال خودش را نشان داد، همکاری روسیه و ایران در سوریه به عنوان یک مدل جدید تعریف شد و در این مدل روسیه موفق بوده است. این تحرکات نشان می‌دهد روسیه به یک نقطه رسیده یا می‌رسد که می‌تواند یک نظم و مدل همکاری جدیدی را با جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها تعریف کند و علاوه بر این که می‌تواند از آن حالت فشار آمریکا و اروپا بکاهد می‌تواند با همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی قدرتمندتر از قبل شود. به نظر می‌رسد در حال حاضر پوتین این مدل را در پیش گرفته و با آن حرکت می‌کند. دکترین عمق استراتژیک روسیه، در راستای تأمین منافع ملی روسیه در شرایط جدید به وجود آمده، مطرح گردید و در دوره پوتین این مسئله به یک استراتژی عملی و کاربردی تبدیل شد (منصوری آرانی، ۱۳۹۵: ۲۱).

۳. روابط روسیه و ایران از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸

تهران و مسکو در سال‌های اخیر و در نتیجه تحولات منطقه‌ای خاورمیانه با موجی از روابط مثبت و سازنده روبرو شده‌اند. آن‌ها در تلاش‌اند تا مکانیزم‌هایی برای باثبات سازی روابط در آینده فراهم آورند. همکاری‌های آن‌ها نشانگر عمق بخشی قابل توجهی به پیوندهای سیاسی و دفاعی بین دو کشور است (Geranmayeh & Liik: 2016: 1). به دنبال روند رو به رشد روابط فی مابین، رئیس جمهوری اسلامی ایران، آقای روحانی در مسکو نیز بر این امر تأکید کرده و اشاره می‌دارد که «تصمیماتی که در ماه‌های گذشته

و همچنین امروز اتخاذ کردیم نشان آن است که ما در روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی در مسیر توسعه همه جانبه روابط دو کشور به سمت یک روابط راهبردی در حال حرکت هستیم» (Tsygankov, 2013: 74-75). ایجاد بسترهای حقوقی و سیاسی از طریق قراردادهای دوجانبه مهم‌ترین اقدام دولت‌ها در این راستا است.

عوامل متعددی بر روابط ایران و روسیه تأثیرگذار بوده است. در خود روسیه دیدگاه‌های متفاوتی بر روابط دو کشور سایه افکنده بود. قبل از روی کار آمدن پوتین در روسیه و در زمان مددوف، دیدگاه خاص ایشان نگاه بیشتر به غرب و اتحادیه اروپا بود و از طرف دیگر در آن زمان گروه‌های متعددی اعم از احزاب سیاسی و برخی از کارشناسان سیاسی در بخش‌هایی از بدنه دولت و وزارتخانه‌های روسیه مانند وزارت خارجه، وزارت دفاع و وزارت خانه‌های دیگری مثل وزارت نفت و انرژی روسیه دیدگاه مثبتی نسبت به ایران نداشتند و جمهوری اسلامی ایران را نه به عنوان یک رقیب بلکه به عنوان کشوری غیر قابل اعتماد نگاه می‌کردند. در بعضی موارد مانند زمینه‌های انرژی به ویژه نفت، گازوئیل و گاز، جمهوری اسلامی ایران را رقیب خود می‌دانستند. این دیدگاه‌ها باعث شده بود که تا حدی روابط ایران و روسیه در حاشیه قرار بگیرد و از گرمی و استراتژیک بودن فاصله بگیرد. با تغییر قدرت در روسیه و روی کار آمدن پوتین چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی این دیدگاه‌ها به حاشیه رانده شد و بعضاً تغییراتی در دیدگاه مخالفین توسعه روابط با ایران پدیدار شد. تا آنجایی که گروه‌های کارشناسی که در وزارت خارجه روسیه که نگاه آن چنان مثبتی به نوع روابط با ایران و استراتژیک نداشتند در سالهای اخیر به حاشیه رانده شد و در حال حاضر در مورد توسعه و گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران سکوت کرده و یا دفاع می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت کمتر صدای مخالف یا صدای ایرادات منفی نسبت به روابط ایران در روسیه شنیده می‌شود (Tsygankov, 2013:77-79).

بحران سوریه از دیگر عوامل مؤثر و مهم در سطح منطقه خاورمیانه بود که باعث شد دو کشور ایران و روسیه به منافع مشترک در قبال بحران این کشور برسند. آمریکا و اتحادیه اروپا و غرب با همکاری متحدین منطقه و کشورهای عربی در منطقه در نظر داشتند حکومت قانونی سوریه را سرنگون و نظام خود خواسته خود را به این کشور

تحمیل کنند. به همین جهت دو کشور ایران و روسیه با یک دیدگاه واحد و با احساس به خطر افتادن منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی خودشان به یک اتحاد شدیدی در روابط خود رسیدند.

از طرف دیگر تحولات اوکراین^۱ و موضع‌گیری شدید روسیه در قبال تحولات این کشور باعث شد که روابط سرد آمریکا و اروپا از یک طرف با روسیه به شدت تیره شود تا جایی که روسیه را تحت تحریم‌های اقتصادی خودشان قرار دادند و با انواع تهدیدهای سیاسی و اقتصادی به مقابله با اقدامات روسیه در اوکراین پرداختند. در بعد دیگری تحریم اقتصادی روسیه همزمان در زمانی که ایران نیز تحت تحریم ظالمانه اقتصادی غربی‌ها قرار داشت باعث شد که دو کشور بیش از پیش به منافع مشترک در قبال دشمن مشترک یا روابط مشترک برسند. به همین جهت در سالهای گذشته روابط دو کشور ایران و روسیه بیش از پیش به یکدیگر نزدیک و به سوی یک روابط استراتژیک پیش رفت (Leichtova, 2014: 48-49).

۳-۱. روابط سیاسی

بسیاری از مشکلات و موانع بر سر تعامل ایران و روسیه در سالهای گذشته به دلیل فقدان گفتگوهای سیاسی مناسب به لحاظ کمی و کیفی و عدم ایجاد مفاهمه میان نخبگان دو کشور بوده است. اما در سال‌های پس از ۲۰۱۰ این گفتگوهای سیاسی افزایش چشم‌گیری یافته که در گذشته سابقه نداشته و در بالاترین سطوح سیاسی، دیدارهای متعددی میان مقامات دو کشور انجام شده است. ولادیمیر پوتین چندین سفر به تهران داشته که دو سفر آن در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ میلادی بوده است. پوتین نخستین بار در سال ۲۰۰۷ به تهران سفر کرد و پس از آن در سال ۲۰۱۵ به منظور شرکت در مجمع کشورهای صادرکننده گاز وارد تهران شد. دومین سفر پوتین برای شرکت در اجلاس سه جانبه روسای جمهوری ایران، روسیه و آذربایجان بود. او در هر دو بار با رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری ایران دیدار کرد. در این دیدارها پوتین

۱. در جریان تحولات اوکراین، آمریکا و غرب تلاش نمودند تا دولت طرفدار رئیس‌جمهور متحد روسیه را در این کشور از قدرت برکنار کنند و متحدین خودشان را در این کشور به قدرت برسانند.

ایران را «شریکی استراتژیک» و «همسایه‌ای بزرگ» و «متحدی مطمئن و قابل تکیه در منطقه» خواند و رهبر معظم انقلاب نیز مواضع رئیس جمهور روسیه به ویژه در سالیان اخیر را در مسائل مختلف، خیلی خوب و مبتکرانه خواندند و شخصیت قوی و اهل تصمیم و عمل بودن پوتین را عاملی برای همکاری و صحبت منطقی با روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ بیان کردند ((Tsygankov, 2019: 230-233). پیرو این دیدارها، آقای روحانی نیز در فروردین ۱۳۹۶ به همراه هیأتی ۷۰ نفره به مسکو سفر کرد و با دیمیتری مدودف، نخست وزیر و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری فدراسیون روسیه دیدار کرد. علاوه بر آن، مقامات دو کشور دیدارهای متعددی در همه سطوح سیاسی با یکدیگر داشتند.

یکی دیگر از حوزه‌های همکاری میان ایران و روسیه در عرصه بین‌المللی است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا، حوزه همکاری ایران و روسیه در این چارچوب است. ایران با بهترین موقعیت ترانزیتی می‌تواند مسیری مناسب برای ترانزیت کالاهای کشورهای عضو این اتحادیه باشد. قرار گرفتن میان دو دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب، موقعیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر موقعیت ترانزیتی شرق به غرب، وضعیت ویژه‌ای برای ایران ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این، بازارهای این اتحادیه همچنان بازاری مناسب برای محصولات ایران به شمار می‌رود. چنانچه کشورهای عضو، تعرفه تجارت درون اتحادیه را به صفر برسانند، قطعاً شاهد رشد تجارت میان کشورهای عضو خواهیم بود. در این زمینه از سال ۲۰۱۵. م ایران و این اتحادیه همکاری‌های خود را به نحو محسوسی افزایش داده‌اند. در سال ۲۰۱۵. م آندری اسلپنوف وزیر امور تجاری کمیسیون اقتصادی اوراسیا اعلام کرد که کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا همراه ایران فعالیت در منطقه آزاد تجاری را آغاز کرده‌اند. پس از اجلاس سه جانبه ایران، روسیه و آذربایجان در باکو نیز ولادیمیر پوتین مجدداً بر این امر تأکید کرده و از تأسیس منطقه آزاد تجاری میان ایران و این اتحادیه خبر داد ((Honneland, 2016: 48-51).

مبانی و اصولی که روابط ایران و روسیه بر پایه آن‌ها استوار است، از امضاء قرارداد مربوط به روابط متقابل و اصول همکاری میان فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۱. م به طور قطعی مشخص شده‌اند. در رابطه با مهم‌ترین مسائل

منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، روسیه و ایران مواضع نزدیک یا مشابه‌ای دارند. به عنوان نمونه، پس از برجام، در واکنش به آزمایش‌های موشکی ایران، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا ابراز نگرانی کردند و آن را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مطرح کردند. در پی این اظهارات، آمریکا درخواست نشست فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل را مطرح کرد. اما روسیه اعلام کرد که آزمایش‌های موشکی ایران، قطعنامه سازمان ملل را نقض نمی‌کند. از طرف دیگر هم دیپلمات‌ها و مقامات روس از جمله لاوروف، واکنش‌ها به برنامه‌های موشکی ایران را صرفاً سیاسی و با هدف انحراف افکار عمومی جهان عنوان کردند (Katz, 2012: 54-57).

در زمینه حقوق بشر نیز ایران و روسیه همچون گذشته با یکدیگر همکاری داشته‌اند. در آخرین نمونه از این دست اقدامات، قطعنامه‌ای در سال ۲۰۱۷ در مجمع عمومی به معرض رأی‌گیری قرار داده شد که در آن بر نقض حقوق بشر در سوریه، کره شمالی و ایران تأکید شده بود. روسیه با رأی منفی در این قطعنامه تأکید کرد که تصویب قطعنامه‌های سیاسی که تنها هدف آن مجازات حکومت‌ها است، امری درست نیست و برچسب زدن به دلایل سیاسی به کشورها، توانایی سازمان ملل را نقض می‌کند (Tsygankov, 2019: 233-234).

در مجموع به لحاظ سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران سعی دارد از روسیه برای مبارزه با فشارها و تحریم‌های آمریکا و همچنین برای مقابله با سیاست‌های خصمانه کشورهای اروپایی و متحدان منطقه‌ای آمریکا استفاده کند. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران به منظور خنثی نمودن سیاست ایالات متحده در جهت مهار و انزوای ایران، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه و روابط استراتژیک با روسیه را انتخاب کرد؛ چرا که روسیه نیز به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای، با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا مخالفت می‌کند. همکاری با روسیه و جلب حمایت این کشور برای تحقق برنامه‌های هسته‌ای، از سیاست‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. با این حال سیاست روسیه در موضوع هسته‌ای ایران، به طور نسبی در چارچوب منافع ایران قرار می‌گیرد و ایران برای مقابله با سیاست‌های تهاجمی آمریکا و اسرائیل به همکاری خود با روسیه ادامه می‌دهد (Hunter, 2010: 75-77).

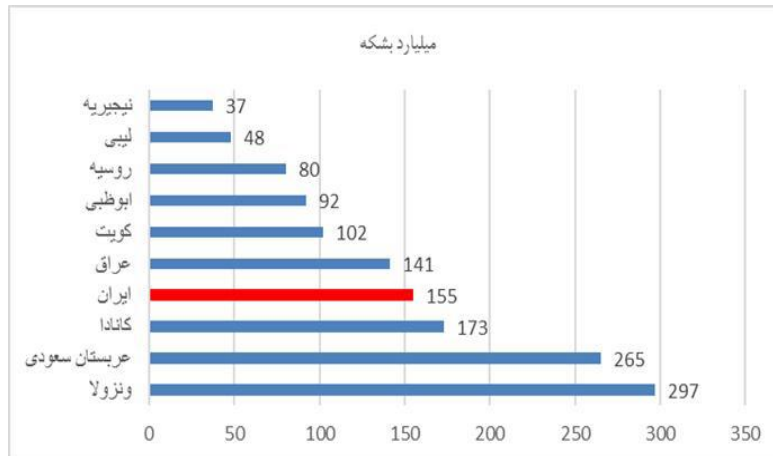
۳-۲. روابط تجاری و اقتصادی

ماهیت سیاسی روابط ایران و روسیه، بر ماهیت اقتصادی آن سایه افکنده است. وجود همین فضا باعث شده که در سال‌های اخیر شاهد افزایش ارتباط و تعاملات دو کشور در حوزه مسائل سیاسی و بین‌المللی باشیم، به بیان دیگر با رخ دادن تحولات خاورمیانه دو کشور به نوعی از اتحاد استراتژیک در سیاست خارجی و بین‌المللی دست یافتند ولی در مقابل، تبادلات تجاری و ارتباطات اقتصادی در حد انتظار طرفین رشد نیافته است. به منظور شناخت بهتر بازار روسیه، آمارهای تجارت خارجی و اقتصاد کلان این کشور طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی نشان می‌دهد که ضمن برخورداری از رشد ۴ درصدی، از کاهش بیکاری، افزایش درآمد سرانه، افزایش حقوق کارکنان، رشد تولید ناخالص داخلی در سایه فروش نفت با قیمت بالا و تولید حداکثری، رشد ذخیره ارزی و کاهش بدهی خارجی و رشد مبادلات خارجی تا سطح ۹۰۰ میلیارد دلار برخوردار بوده است. علیرغم این تحولات بررسی تبادلات تجاری بین ایران و روسیه طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی حاکی از کاهش مبادلات تجاری از سه و نیم میلیارد دلار به کمی بیشتر از یک و نیم میلیارد دلار دارد که این کاهش تا حدود زیادی به دلیل و متأثر از اوج تحریم‌ها و فشارهای غرب بر ایران پدید آمد (Honneland, 2016: 54-57).

طی سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ میلادی، شرایط اقتصاد بین‌الملل و تعاملات خارجی دو کشور ایران و روسیه به سمتی پیش رفت که امیدها برای چرخش در ارتباطات اقتصادی فیما بین افزایش یافت. با کاهش قیمت نفت، شروع بحران اوکراین و فشارهای غرب بر روسیه، روابط و تبادلات این کشور با دیگر کشورها از جمله چین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش داشته است؛ در حالی که روابط تجاری ایران با روسیه نه تنها کاهش نداشته بلکه از رشد ۵ درصدی نیز برخوردار بوده است. از سوی دیگر در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از روی کار آمدن دولت یازدهم که همراه با تنش‌زدایی و توجه به روابط بین‌الملل بود، همکاری‌های دولتمردان دو کشور از سطح بالایی برخوردار گردید. رفت و آمد مقامات و هیاتهای اقتصادی و تجاری افزایش یافت و مذاکرات برای تأمین نیازهای بازار روسیه در بخشهای محصولات کشاورزی، شیلات، فرآورده‌های پروتئینی، شیر و فرآورده‌های لبنی و همچنین گوشت و فرآورده‌های آن به انجام رسید. نتیجه آنکه

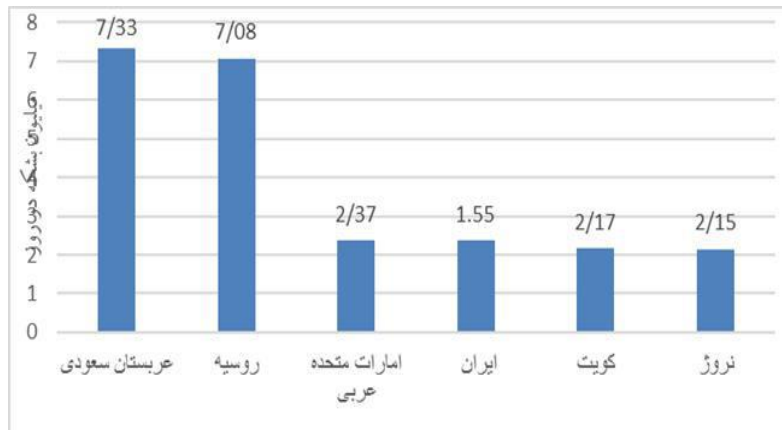
در سال ۲۰۱۵ میلادی تبادلات فیما بین از رشد ۵ درصدی برخوردار شد. در حوزه انرژی (نفت و گاز) به منظور جلوگیری از سلطه شرکت‌های خارجی و فراملیتی بر منابع انرژی، جمهوری اسلامی ایران با هر گونه فعالیت و نفوذ شرکت‌های چند ملیتی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مخالف است. نفوذ امریکا و اسرائیل و نیز حضور شرکت‌های غربی و امریکایی در منطقه، برای امنیت ملی ایران خطر ساز خواهد بود و لذا برای ایران ضروری است راهبردهای مناسبی را برای مقابله با این وضعیت تدوین کند. از سوی دیگر روسیه نیز از حضور گسترده شرکت‌های غربی و امریکایی در منطقه، نگران است؛ به عبارت دیگر مسأله توسعه منابع نفت و گاز برای روسیه، موضوعی استراتژیک تلقی می‌گردد که با امنیت ملی آن کشور ارتباط مستقیم دارد. بنابراین همکاری با روسیه برای جمهوری اسلامی ایران در این راستا از اهمیت خاصی برخوردار است (Bassin and Pozo, 2017: 74-78).

روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی دربرگیرنده رقابت، همپوشانی و اشتراک است؛ عرصه‌ای که با ملاحظات خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک، طرفین می‌توانند از آن به نفع خود سود برند. هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت جهان بوده، اما دارای اهداف و موقعیت‌های واگرا هستند. روسیه به منابع انرژی و همکاری در صنایع نفتی ایران بسیار علاقه‌مند است؛ چراکه ایران چهارمین ذخایر اثبات شده نفت جهان (۱۱ درصد) را در اختیار دارد و درسایه رفع تحریم‌ها می‌تواند در شمار چهار تولیدکننده بزرگ جهان قرارگیرد. در همین ارتباط گازپروم، مذاکراتی را با تهران در سال ۲۰۱۸ درباره استخراج از حوزه آزادگان (۴۲ میلیارد بشکه نفت) شروع کرد.



نمودار ۱- میزان ذخایر اثبات شده نفت ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان (سال ۲۰۱۵)

Oil & Gas Journal, Jan.1.2015

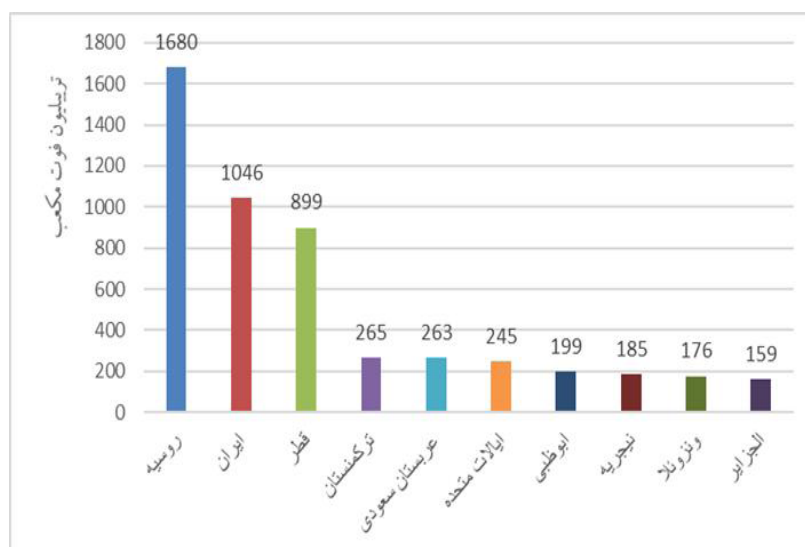


نمودار ۲- مقایسه میزان صادرات نفت ایران و روسیه در مقایسه با دیگر تولیدکنندگان بزرگ

نفتی (EIA, 2016)

روسیه و ایران صاحب بیشترین ذخایر گاز طبیعی ثابت شده جهان نیز هستند. آن‌ها در پی استفاده از این ذخایر به سود مشترک، توسعه یک راهبرد مشترک برای مشارکت

در بازار انرژی جهان هستند. دو کشور در سال ۲۰۰۱ مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱ متشکل از ۱۳ کشور تولیدکننده بزرگ گاز با هدف ارتقای منافع متقابل را تأسیس کردند. این کشورها حدود ۶۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند.



نمودار ۳- مقایسه ذخایر گاز ایران و روسیه با دیگر کشورهای جهان

Oil & Gas Journal, Jan.1.2016

ایران در سالهای اخیر افزایش شدیدی را در زمینه تولید گاز و عرضه آن به بازارها تجربه کرده است به گونه‌ای که تخمین زده می‌شود در سال ۲۰۲۰ این افزایش به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. اکنون هم روسیه و هم ایران مایل به احیای پیوندهای فنی در زمینه گاز هستند. در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی، ایران می‌تواند به عنوان عضو مؤسس اوپک، با طرح خواسته‌های خود، از روسیه در زمینه گسترش همکاری‌ها بهره‌بردار. روسیه نیز می‌تواند از طریق ایران بر اوپک اثر گذاشته و به اهداف خود، یعنی استفاده از اهرم انرژی جهت تحقق اهداف سیاست خارجی مسکو در مقابل غرب دست یابد (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۰۴-۲۰۶). در دوران پساجام، فرصت‌های جدیدی برای گسترش همکاری‌های راهبردی دو کشور در عرصه انتقال انرژی ایجاد شده است.

1. Gas Exporting Countries Forum (GESF)

۳-۳. روابط نظامی و امنیتی

یکی از زمینه‌های جذاب و البته سنتی روابط سیاسی و امنیتی ایران و روسیه در حوزه تسلیحاتی و نظامی بوده است. با آغاز خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا از اواخر سال ۲۰۱۰ و متعاقب آن نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی ایران و روسیه نسبت به این تحولات، به ویژه در سوریه، تعاملات نظامی و تسلیحاتی ایران و روسیه از سر گرفته شد. در این بین، البته نباید نقش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را نیز نادیده گرفت. به واسطه این توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱، زمینه‌های حقوقی دریافت بسیاری از تسلیحات تدافعی برای ایران فراهم گردید. نخستین اتفاق مهم در روابط ایران و روسیه در این راستا، تحویل سامانه‌های سطح به هوای اس-۳۰۰ در سال ۲۰۱۵ بود. اما آنچه بیش از اصل تحویل این سامانه‌ها جلب توجه می‌کرد، بروز ابهامات در خصوص نسخه اس-۳۰۰ تحویل داد شده به ایران پس از رونمایی از آن در رژه روز ۲۹ فروردین سال ۱۳۹۵ بود. به باور برخی کارشناسان نظامی در نسخه تحول داده شده به ایران، سامانه کنترل و فرماندهی یونیورسال شباهتی با نمونه‌های مشابه در اس-۳۰۰‌های صادراتی روسیه نداشته و مشابه سامانه‌های اس-۴۰۰ است (Cadier and Light, 2015: 83).

به طور کلی، با توجه به محدودیت ایران در تأمین تسلیحات مورد نیاز، روسیه به عنوان یک کشور دارای سلاح‌های با کیفیت بالا، برای ایران بسیار حائز اهمیت است. قسمت اعظم مبادلات دو کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی را خریدهای نظامی ایران از جمله (S300) از روسیه تشکیل می‌دهد. همچنین ایران به منظور تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر با تکنولوژی روسی، در چارچوب یک هدف استراتژیک، همکاری با روسیه را برای اجرای این طرح حیاتی در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است (Harvey, 2010: 1-2).

به لحاظ امنیتی، نفوذ قدرت‌های دیگر در منطقه - به ویژه ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی - منافع و امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند و در چنین شرایطی، ایران می‌بایست بخشی از امنیت ملی خود را بر مبنای همکاری و اتحاد با قدرت منطقه‌ای

۲۰۱

روابط بین‌الملل

سیاست
خارجی روسیه
در قبال
جمهوری
اسلامی ایران
۲۰۱۸-۲۰۱۲

دیگر یعنی روسیه قرار دهد که همچون ایران از نفوذ قدرت‌های دیگر در حوزه خزر متضرر می‌شود. روسیه به عنوان وارث شوروی سابق، حاضر نیست به سادگی از بازی‌های ژئوپلیتیکی در این حوزه حساس کنار گذاشته شود. به عبارتی می‌توان گفت منطقه خزر کم و بیش مهم‌ترین سنگر دفاعی برای حفظ امنیت ملی و انرژی مورد نیاز روسیه جهت تداوم رقابت در منطقه و صحنه جهانی با غرب به حساب می‌آید. از دیدگاه سیاست خارجی کنونی روسیه، در صورت افزایش نفوذ غرب و آمریکا در منطقه خزر، موقعیت و اقتدار روسیه تنزل خواهد کرد. قبل از رئیس‌جمهور پوتین، سیاست خارجی و امنیتی روسیه به دلیل مشکلات بجا مانده از فروپاشی شوروی و نیز دیدگاه یلتسین، رئیس‌جمهور سابق روسیه، دارای جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متضاد و فاقد ثبات و استحکام لازم بود. با انتخاب پوتین و تثبیت نسبی اوضاع سیاسی و اقتصادی، توجه به منطقه اوراسیا و به ویژه حوزه خزر افزایش یافت. بنابراین سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین، به دنبال تأمین منافع ژئواستراتژیک، ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، اقتصادی و مسائل زیست محیطی در این منطقه است (Omeliicheva, 2012: 332-333).

از دید مسکو، حوزه خزر مجموعه‌ای از عوامل نگران‌کننده‌ای است که می‌توانند بر سرنوشت این کشور تأثیرگذار باشند. از نگاه روسیه، یک اتحاد غیررسمی میان آمریکا، ترکیه و جمهوری آذربایجان، می‌تواند موقعیت این کشور را تضعیف نماید. ولادیمیر پوتین برای تقویت موقعیت این کشور در حوزه خزر، اقدامات متعددی را به عمل آورده است که از جمله هشدار به شورای امنیت ملی این کشور برای دفاع از منافع ملی روسیه در منطقه و تحکیم آن و نیز تعیین نماینده ویژه‌ای در خصوص مسائل دریای خزر را می‌توان برشمرد. هدف پوتین از تعیین نماینده ویژه، کنترل فعالیت شرکت‌های نفتی و ایجاد هماهنگی بین منافع ملی، امنیتی و تجاری بود. این در حالی است که تا قبل از دوران پوتین، وزارت خانه‌های مختلف هر کدام بر اساس برداشت‌های خود عمل می‌کردند. به طور کلی، بخشی از سیاست‌های روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در خصوص مقابله با حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد. تضاد منافع روسیه و ترکیه، برخورد منافع

اسرائیل و روسیه و نقش روسیه در ثبات بخشی به منطقه، از مواردی هستند که می‌توانند مبنای همکاری ایران با روسیه قرار داد (Pirchner, 2011: 70-75).

۴. برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی

پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و تغییر تیم مذاکره کننده هسته‌ای، دیپلماسی سازنده و با هدف برد-برد در رأس سیاست خارجی قرار گرفت. با توجه به نزدیکی مواضع سیاسی دو کشور و بهبود روابط پس از شروع انقلاب‌های مردمی خاورمیانه و تحت تأثیر مکانیزم‌های جدید آزاد شده در فضای پسابرجام، ایران و روسیه، همکاری‌های جدیدی را در حوزه انرژی هسته‌ای آغاز کردند. مهم‌ترین زمینه همکاری دو کشور در این زمینه، انعقاد قرارداد ساخت دو نیروگاه هسته‌ای جدید بود. در این رابطه، پروژه‌ای مشترک میان دو کشور به مدت زمان ۱۰ سال برای ساخت دو نیروگاه به ظرفیت بیش از ۱۰۰۰ مگاوات تعریف شده و مراسم افتتاحیه آن در سپتامبر ۲۰۱۶ برگزار شد. همکاری در تولید مشترک سوخت هسته‌ای در چارچوب موضوع تولید ایزوتوپ‌های پایدار، دیگر حوزه‌های همکاری هسته‌ای میان دو کشور بوده است (Tsygankov, 2019: 239-240).

در سند مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه که در سال ۲۰۰۸ میلادی منتشر شد، با اشاره به مسئله هسته‌ای ایران تأکید می‌شود که «روسیه مشارکت کاملی در یافتن راه حل‌های سیاسی و دیپلماتیک برای حل این وضعیت با عنایت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شناسایی حقوق تمامی دولت‌های طرفین به پیمان عدم اشاعه هسته‌ای برای استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای، خواهد داشت». در این سند، ایران تنها به واسطه اینکه یک کشور مهم منطقه‌ای به حساب می‌آید، در کنار عربستان و ترکیه برای روسیه اهمیت دارد. علاوه بر این، شاهد موضع محتاطانه روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران هستیم. در سند سیاست خارجی سال ۲۰۱۳ روسیه، تنها یکبار نام ایران ذکر شده و آن هم تأکید بر تداوم رویکرد پیشین دارد. البته تأثیر مذاکرات هسته‌ای و تغییر جزئی رویکرد روسیه در این سند کاملاً مشهود است. بند ۸۹ این سند بدین صورت تصریح می‌کند که «روسیه سیاست متعادل خود را در راستای یک توافق جامع

سیاسی و دیپلماتیک در خصوص برنامه هسته‌ای ایران از طریق گفتگوی مبتنی بر یک رویکرد گام به گام و بر مبنای منافع مشترک با رعایت دقیق الزامات عدم اشاعه هسته‌ای، ادامه خواهد داد». اما این سند دو سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۲۰۱۵ دچار تغییراتی شد و در سال ۲۰۱۶ نسخه اصلاح شده آن به تصویب رئیس جمهور رسید. بنا به گفته برخی مقامات روس، سند پیشین با توجه به قدرت گرفتن هیلاری کلینتون در ایالات متحده و سیاست‌های مقابله جویانه او تهیه شده بود، اما با روی کار آمدن ترامپ نیاز به بازنگری آن احساس شد (Honneland, 2016:58-61).

در سند جدید سیاست خارجی روسیه اما شاهد تغییر جدی تری نسبت به جایگاه جمهوری اسلامی ایران هستیم. در این سند برای نخستین بار، ایران به صورت منحصر به فرد به عنوان کشوری که روسیه خواهان برقراری روابط با آن است ذکر می‌شود. در بند ۹۴ این سند «روسیه متعهد به توسعه فراگیر همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران بوده و به دنبال تضمین اجرای پیوسته توافق برنامه جامع اقدام مشترک جهت حل مسأله برنامه هسته‌ای ایران بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ و تصمیمات شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد و از این فرآیند تحت هر شرایطی حمایت می‌کند» (Tsygankov, 2019:236-237). این در حالی است که در این سند هیچ نامی از ترکیه و عربستان سعودی نیامده است. به نظر می‌رسد این تصمیم روسیه در ارتقاء روابط خود با ایران در قالب راهبرد سیاست نگاه به شرق روسیه با توسعه مشارکت‌های شرقی با هندوستان، مغولستان، ژاپن، ایران و البته اعضای سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اوراسیا و کشورهای مستقل مشترک المنافع در پاسخ به گسترش ناتو است.

۵. روابط در دوره برجام

ولادیمیر پوتین در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، پس از امضای توافق جامع، ضمن ابراز خرسندی از توافق جامع هسته‌ای ایران و «۱+۵» و استقبال روسیه از توافق به دست آمده اظهار داشت: «امروز جهان نفس راحتی کشید». وی همچنین سخنان خود را این گونه ادامه داد: «توافق جامع بر پایه‌های محکم قوانین بین‌المللی، به ویژه پیمان منع گسترش سلاح

هسته‌ای و موافقتنامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از جمله پروتکل الحاقی شالوده ریزی شده است. برخلاف تلاش برای توسل به سناریوهای نظامی، مذاکره کنندگان انتخاب قاطعی را به نفع ثبات و همکاری انجام دادند، که در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد تثبیت خواهد شد»، وی همچنین ضمن اشاره به سهم بزرگ کارشناسی تیم مذاکره کننده روسی در تدارک این توافق و بروز اراده سیاسی در میان «۱+۵» و ایران، به پیدایی انگیزه‌های قوی جدید در روابط دوجانبه با ایران فارغ از تأثیر عوامل خارجی سخن گفت. وی در پایان اظهار داشت: «روسیه ضمن مساعدت در تقویت امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام جهانی منع گسترش سلاح هسته‌ای، ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل توزیع آن‌ها در خاورمیانه و همچنین بسیج ائتلاف گسترده در منطقه برای مقابله با تهدیدهای تروریستی، هر آنچه بر عهده آن (روسیه) است انجام خواهد داد تا موافقتنامه وین به طور کامل اجرا شود» (Bassin and Pozo, 2017:81-83). همچنین پوتین در مورد این توافق اظهار داشت، «ایران امکان یافت این برنامه را، از جمله غنی سازی اورانیوم را تحت کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ضمن حذف پی در پی تحریم‌های اعمال شده علیه تهران توسعه دهد، که ما از مدت‌ها مصرانه خواستار آن بودیم». علاوه بر این، وی حصول این توافق را برای اجرای طرح‌های گسترده همکاری روسیه با ایران در زمینه انرژی هسته‌ای صلح آمیز مهم ارزیابی کرد» (کرامتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵). در همین زمینه سرگئی لاوروف نیز ضمن مؤثر دانستن طرح گام به گام و تلاش متقابل روسیه برای خروج مذاکرات از بن بست در رابطه با توافق هسته‌ای نکاتی را یادآور شد که مهم‌ترین سرفصل‌های آن عبارت‌اند از:

الف) سازگاری با سیاست خارجی روسیه: «توافق نهایی به طور کامل با هدفی که در نظریه سیاست خارجی روسیه طرح شده، یعنی اذعان به حق ایران برای فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای من جمله حق غنی‌سازی اورانیوم، و اجرای این فعالیت تحت کنترل شدید آژانس، سازگار است».

ب) تقویت رژیم منع گسترش: «بی‌شک توافق جامع در برنامه هسته‌ای ایران، موجب تقویت رژیم منع گسترش سلاح هسته‌ای می‌شود و تأثیر مثبتی بر وضعیت کلی امنیت و ثبات در خاورمیانه، شمال آفریقا و خلیج فارس خواهد نهاد».

ج) رفع بهانه‌های موجود برای توسل به زور علیه ایران: «اصولاً این نکته حائز اهمیت است که عادی سازی وضعیت مربوط به ایران هر بهانه‌ای را برای توسل به زور علیه این کشور، که توسط برخی به عنوان «جایگزین واقعی» مذاکرات در نظر گرفته شده بود، از میان برمی‌دارد».

د) تأثیر مثبت در مناسبات تهران - مسکو: «شکی نیست که حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران تأثیر مثبتی در روابط دو جانبه بین روسیه و جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت، و چشم انداز گسترده‌تری را برای تعمیق و تنوع بخشی آن‌ها خواهد گشود. این امر با اجرای طرح‌های گسترده‌تری برای تعمیق و تنوع بخشی آن‌ها خواهد نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران مرتبط است، که اجرای آن‌ها در چارچوب توافق حاصله در برابر هر گونه تأثیر منفی عوامل خارجی به طور کامل بیمه می‌شود. لغو نظام تحریم‌ها امکان پیشرفت را در دیگر زمینه‌های همکاری‌های دوجانبه فراهم می‌کند، که در آن‌ها، اعمال محدودیت‌های یکجانبه برون مرزی آمریکا و اتحادیه اروپا را در معاملات مالی و دیگر جوانب فعالیت‌های عملی مشترک ما و شرکای ایرانی ما متوقف خواهد کرد». همچنین وی در ادامه به گسترش فرصت‌های همکاری نظامی - فنی بین روسیه و ایران اشاره نمود، که به ویژه با توجه به حساسیت وظیفه فرونشانی و سرکوب تهدید تروریسم در منطقه، حائز اهمیت است. علاوه بر این، سرگئی لاوروف، اظهارات شش سال پیش ایالات متحده را در مورد غیر ضروری بودن سیستم دفاع موشکی اروپا در صورت دستیابی توافق با ایران یادآور شد. و همچنین موارد زیر را یادآور شد:

- گشودن فرصت‌های جدید برای حل و فصل مجموعه کاملی از دیگر مشکلات و درگیری‌های موجود در منطقه؛

- ایجاد انگیزه‌های بیشتر برای پیشبرد ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه؛

- رفع موانع (تا حد زیادی ساختگی) در راه تشکیل ائتلافی گسترده برای مبارزه با «داعش» و دیگر گروه‌های تروریستی (از کرامتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۶). لذا می‌توان گفت به طور کلی جهت گیری روسیه در سطح نظری بر مبنای اظهارات مقامات دولتی روسیه نسبت به برجام مثبت بوده است. اما بررسی اقدام عملی مقامات این کشور در پسابرجام در

راستای تقویت همکاری و تعامل با ایران در سطوح دوجانبه و چندجانبه و گام‌های اعتمادساز اهمیت دارد.

۶. همکاری در دوره پسابرجام

برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام، به رغم تمام کاستی‌ها، ضعف‌ها و انتقادات، دستاوردهایی جهت تقویت روابط ایران و روسیه داشت. اگر چه اجرای برجام و تعلیق بخش قابل توجهی از تحریم‌ها، عرصه رقابتی را در حوزه‌های اقتصادی و به ویژه انرژی میان ایران و روسیه گشود، اما برجام همکاری بیشتر دو کشور را نیز باعث شده است. علاوه بر این، روسیه نقش زیادی در شکل‌گیری برجام داشته است. انگیزه‌های این کشور برای شکل‌گیری برجام و یا هر توافق صلح‌آمیزی که می‌توانست جلوی زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه و به خصوص در قبال ایران را بگیرد کم نبوده است. روسیه تنها کشوری است که طی سالهای اخیر با ایران قرارداد رسمی و قانونی برای همکاری هسته‌ای داشته و دارد و طبعاً حضور این کشور در فعالیت‌های هسته‌ای ایران امتیازی بود که دیگر کشورهای عضو دائم شورای امنیت و آلمان که در این زمینه همکار این کشورها بود، از آن بی بهره بودند. این همکاری روسیه با ایران تنها در شرایط وجود آرامش در قبال دیگر فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌توانست به سرانجام مطلوب برسد. از سوی دیگر اگر روسیه تنها می‌خواست به همکاری با چین در میان کشورهای ۵+۱ متکی باشد، برای موفقیتش به عنوان یک نقش‌آفرین اصلی کافی نبود. بنابراین سعی کرد با پذیرش نقش‌های میانجی‌گرانه میان ایران و چهار کشور غربی، نقش بیشتری برای خود دست و پا کند (Cadier and Light, 2015:90-91). به هر ترتیب، برجام مبتنی بر رویکردهای دو کشور نسبت به نظام بین‌الملل و ایالات متحده بوده و با توجه به منافع حاصله، هر دو خواهان حفظ دستاوردهای آن هستند.

با روی کارآمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا، جریان‌های داخلی و بین‌المللی مخالف برجام تقویت شد. ترامپ در مشی محافظه‌کارانه خود پیش از رسیدن به ریاست جمهوری از پاره کردن برجام و اعمال فشارهای بیشتر به ایران سخن گفته بود، با پیروزی در انتخابات درصدد عملی کردن دیدگاه‌های خود برآمد. دو عامل اساسی بر دیدگاه ترامپ

و دیگر تندورهای آمریکایی در اتخاذ این رویکرد تأثیرگذار بود. نخستین عامل، وفاداری دورن حزبی است. برای بسیاری از محافظه کاران، توافق با ایران نمادی از دیدگاه باراک اوباما در سیاست خارجی است و ترامپ نشان داده در کانالیزه کردن خشم محافظه کاری علیه رئیس جمهور سابق بسیار توانمند است. دومین عامل اساسی اینکه ترامپ و بسیاری از منتقدین دیگر بر درگیری زیاد ایران در سوریه و عراق و حمایت از حماس و حزب الله لبنان تأکید دارند. در نتیجه، این افراد معتقدند که نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه افزایش یافته است و برای متوقف کردن ایران، تحریم‌ها باید تشدید شوند، نه تعلیق! لابی‌های قدرتمند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز در این میان تمایلات ضدایرانی دولت ترامپ را افزایش داده است ((Honneland, 2016: 89-92).

پس از اظهارات ترامپ مبنی بر احتمال عدم پایبندی ایالات متحده به برجام، کرملین در این زمینه هشدار شدیدی صادر کرد. ترامپ ارسال نمود و تأکید کرد که خروج آمریکا آسیب جدی بر پیش بینی پذیری امنیت، صلح، ثبات و عدم اشاعه در سراسر جهان وارد خواهد کرد. روسیه همچنین هشدار داد که اگر آمریکا از این پیمان خارج شود، ایران نیز احتمالاً این توافق را ترک خواهد کرد. دمی تری پسکوف، سخنگوی ولادیمیر پوتین نیز در این زمینه اظهار داشت که اقدامات آمریکا علیه برجام نتایج بسیار منفی خواهد داشت و وضعیت پرونده هسته‌ای ایران را به صورت جدی بدتر می‌کند. با تغییر رویکرد ترامپ از خروج و لغو برجام به از سرگیری مجدد و اصلاح آن، روسیه مجدداً مخالفت خود را با این اقدام آمریکا اعلام کرد. در نشستی که شش قدرت بزرگ جهانی در ژانویه ۲۰۱۸ میلادی در وین برگزار شد، سرگئی ربایکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه اظهار داشت که روسیه به شدت نسبت به بیانیه آمریکا مبنی بر از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ایران نگران است. علاوه بر این، ایران و روسیه نشست‌ها و مذاکراتی را در سطح وزرای امور خارجه و معاونین وزرا در راستای حفظ برجام برگزار کردند. در این زمینه، رؤسای جمهور دو کشور نیز در نشست سه جانبه باکو گفتگو کرده و بر آن تأکید کرده‌اند ((Tsygankov, 2019: 239-240). چنانچه بخواهیم دستاوردهای همکاری میان ایران و روسیه در دوره پسابرجام را به صورت خلاصه بیان کنیم می‌توان به موارد زیر اشاره کنیم:

- تحویل کامل سامانه دفاع موشکی اس - ۳۰۰ به ایران

- تخصیص اعتبارات و وام چند میلیاردی روسیه به ایران
- حمایت از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و طرح موضوع عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی
- تقویت تعامل منطقه ای با ایران به خصوص در رابطه با اوضاع سوریه
- سفر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به ایران و سفرهای مکرر مقامات دو کشور در راستای تقویت همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف
- علاقمندی شرکت‌های روسی برای حضور در بازار ایران در شرایط پسابرجام

۲۰۹

۷. همگرایی راهبردی روسیه و ایران

ایران و روسیه دارای منافع مشترکی هستند که در گسترش همکاری‌های این دو کشور مؤثر بوده که می‌توان به تلاش آن‌ها جهت مقابله با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز، مخالفت با گسترش ناتو، جلوگیری از تسلط شرکت‌های بزرگ فراملیتی بر انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و... اشاره کرد. در اینجا به مجموعه عوامل مشترک در مناسبات ایران و روسیه می‌پردازیم.

۷-۱. مقابله با گسترش غرب در منطقه خاورمیانه

روسیه به عنوان یک قدرت آسیایی-اروپایی، بیشترین منافع استراتژیک و امنیتی را در حوزه جنوبی مرزهای خود می‌بیند و لذا نسبت به نفوذ قدرت‌های دیگر- به ویژه امریکا- در منطقه احساس نگرانی می‌کند. در راستای تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ قدرت‌های بیگانه در منطقه، نقش ایران بسیار حائز اهمیت است و حضور قدرت‌های بیگانه در منطقه برای هر دو کشور ایران و روسیه، یک عامل تهدیدآمیز تلقی می‌شود.

۷-۲. نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

منطقه خاورمیانه و خلیج فارس که به لحاظ امنیتی همچنان در فهرست اولویت‌های مسکو قرار دارد، با وقوع جنبش‌های مردمی، به عرصه‌ای پیچیده‌تر از گذشته برای مسکو تبدیل شده است. این پیچیدگی در واقع از اهمیت یافتن عامل اسلام در سیاست خارجی روسیه

ناشی می‌شود. اسلام از دو نظر بر سیاست خارجی کشور روسیه تأثیر می‌گذارد: نخست اینکه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که در حوزه امنیت ملی روسیه قرار دارند، اکثراً مسلمان هستند و گسترش تفکر اسلامگرایی در این منطقه تهدیدی برای امنیت ملی روسیه محسوب می‌شود؛ ثانیاً روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه، تحت تأثیر اسلام و اسلامگرایی قرار دارد و لذا نقش ایران در سیاست خارجی مسکو برای نفوذ در خاورمیانه و کشورهای اسلامی بسیار مهم و اساسی است؛ چرا که ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد و نفوذ زیادی در بسیاری از کشورهای اسلامی دارد. پس از فروپاشی شوروی، کنترل آسیای مرکزی و قفقاز در واقع به هدف اولیه سیاست خارجی روسیه تبدیل شد و رهبری روسیه در این زمینه از جانب ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش در ناتو، احساس فشار نمود. علاوه بر این، روسیه، بخاطر ذخایر غنی نفت و اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، سیاست‌هایش را با کشورهای ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس متوازن ساخته و از طریق گسترش همکاری‌های همه جانبه با ایران، نفوذ خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهد (اطهری، ۱۳۹۰: ۸۳).

۳-۷. مقابله با رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از اقوام و ملیت‌های متنوعی به وجود آمده که در قالب جمهوری‌های مختلف قرار گرفته‌اند. مرزهای این کشورها لزوماً با پراکندگی قومی و نژادی منطقه‌ای منطبق نیست و وضعیت سیاسی این جمهوری‌ها هنوز تثبیت نشده است. در این شرایط، هر گونه تشنج و قومیت‌گرایی می‌تواند آرامش و ثبات منطقه را برهم بزند و امنیت ملی هر دو کشور ایران و روسیه را تهدید کند. همچنین نفوذ معنوی و فرهنگی ایران در این جمهوری‌ها، به اندازه‌ای است که می‌تواند احساسات ضدروسی را در میان این ملت‌ها برانگیزد و روسیه با درک این واقعیت سعی دارد از طریق گسترش همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران، از تشدید مسائل قومی و مذهبی در منطقه جلوگیری کند. به طور کلی بحران ملیت‌ها، مشکل همیشگی شوروی سابق بود و هنوز هم مشکلی پایدار در جمهوری‌های تازه استقلال یافته تلقی می‌گردد. در دوران اتحاد جماهیر شوروی، این

کشور تلاش می‌کرد حکومت خاصی در درون یک جمهوری شکل نگیرد و هرگز اجازه ترویج ویژگی‌های حقیقی این جمهوری‌ها را نمی‌داد. به علاوه مسکو سیاست ایجاد شکاف فرهنگی و قومی در این مناطق را دنبال می‌کرد تا از تضعیف سلطه مسکو بر این جمهوری‌ها جلوگیری کند. با ظهور جمهوری‌های جدید نیز اختلافات قومی و نژادی، اصلی‌ترین عوامل بحران‌زا در منطقه هستند. این اختلافات با امنیت و منافع ملی روسیه همخوانی ندارند و روسیه به منظور مقابله با این امر، خود را نیازمند به همکاری با ایران می‌بیند (Brzezinski, 2008: 176-177).

۷-۴. جلوگیری از نفوذ ناتو به شرق

اغلب دولتمردان روسیه با رشد و گسترش ناتو به شرق مخالف هستند و آن را با منافع ملی کشورشان مغایر می‌دانند. در این زمینه عوامل مختلفی موجب شکل‌گیری این نگرش در میان آن‌ها شده است. نخست اینکه مسکو نگران آن است که منزوی شود و در حاشیه قرار گیرد. دوم آن که نیروهای نظامی روسیه به شدت با توسعه ناتو در هر شکل و عنوان مخالف‌اند و معتقدند این توسعه، مرزهای روسیه را دچار تهدیدات نظامی و امنیتی جدی می‌کند. سوم اینکه استراتژیست‌های روسیه معتقدند توسعه ناتو روسیه را از جایگاه یک قدرت پر نفوذ ساقط خواهد کرد. از طرف دیگر، ایران نیز که گسترش ناتو را تهدیدی علیه امنیت ملی خویش می‌داند، با روسیه در این خصوص منافع مشترک دارد و روسیه سعی کرده است با جلب حمایت ایران، با گسترش ناتو مقابله کند (عامری، ۱۳۹۴: ۲۷).

۸. بحران منطقه خاورمیانه

۸-۱. بحران سوریه

مسئله سوریه نخستین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه قرار داد. به رغم آن که طی این مدت هم ایران تلاش کرده تا به نیروی زمینی روسیه تبدیل نشود، و هم روسیه تلاش کرده تا نقش نیروی هوایی ایران را بازی نکند، اما دو کشور از طریق تقسیم وظایف توانسته‌اند مانع از دستیابی دشمنان دولت بشار اسد به اهداف خود در این کشور شوند. به عبارت دیگر، هر چند ایران و روسیه هدف مشترکی را تاکنون در

سوریه دنبال کرده‌اند و از یک منظر بیرونی، هر دو کشور در یک جبهه مشترک قرار دارند، اما واقعیت این است که هر دو طرف از طریق یک تقسیم وظیفه هوشمندانه جنگیده‌اند. تا زمانی که دستور کار هر دو کشور در سوریه تغییری نکرده است، می‌توان گفت که این همکاری مبتنی بر تقسیم وظایف، به شکلی تضمین‌کننده اهداف دو کشور باشد (شوری، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳).

ایران و روسیه هر دو خواهان حفظ ثبات و کارآمدی دولت‌های قانونی حاکم، عدم دخالت نظامی و سیاسی بازیگران فرامنطقه‌ای در امور داخلی کشورها و مقابله با گسترش نفوذ ناتو و ایالات متحده آمریکا در مناطق پیرامونی خود هستند. اما عامل مهم‌تری که ایران و روسیه را در سوریه به یکدیگر نزدیک کرده است، تهدیدهای امنیتی مشترک همچون تروریسم است (بهمن، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۴). تجمیع این منافع و تهدیدات مشترک در بحران سوریه، موجب شکل‌گیری جبهه‌ای سیاسی و نظامی متشکل از ایران، روسیه، سوریه، عراق و حزب الله لبنان در سوریه شده است. این همکاری‌ها طیف گسترده‌ای را از همگرایی سیاسی تا رزمایش‌های مشترک و در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی توسط این بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، در بر گرفته و ممکن است با تشدید یا فروکش کردن بحران، کاهش یا افزایش یابد. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر چه اهداف اعلانی روسیه از مشارکت در این جبهه مبارزه با تروریسم و به ویژه داعش بیان شده، اما به نظر می‌رسد روسیه به دنبال بازیابی و احیاء جایگاه خود به عنوان یک قدرت بین‌المللی برای تثبیت نفوذ خود و مبارزه با تروریسم در جهان در مقایسه با دشمن قدیمی خود، ایالات متحده آمریکا است (Tsygankov, 2013: 74-77). علیرغم همه این موارد، اما آنچه بیش از دیگر مسائل قابل مشاهده است، همگرایی بی سابقه ایران و روسیه در حل بحران سوریه است.

بحران سوریه به لحاظ بین‌المللی، از دو منظر قابل تحلیل و بررسی است. نخست در قالب استراتژی خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا که مبتنی بر انتقال ارزان قیمت نفت خاورمیانه و نیز تأمین امنیت انرژی و حفظ امنیت اسرائیل بوده است. بر این مبنای دیدگاه غرب و به ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه کار تغییر یابد، به

نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم خواهد شد. نکته دوم، به تفاوت دیدگاه‌های «آمریکا و غرب» و «روسیه و چین» در قبال تحولات جهان مربوط می‌شود که نمود آن را در حق وتوی روسیه و چین برای عدم تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم سوریه می‌توان مشاهده کرد. به طور کلی، عدم همراهی چین و روسیه و موضع گیری‌های متفاوت این دو کشور در قبال مسأله سوریه را در مقایسه با کشورهای غربی معلول عوامل متعددی است از جمله:

۲۱۳

الف) رویکرد کلی روسیه نسبت به تحولات جاری در خاورمیانه عربی، در چارچوب انتقاد مسکو از برخورد دوگانه غرب در قبال انقلاب‌های اسلامی - مردمی منطقه قابل ارزیابی است. روسیه معتقد است که سکوت کشورهای غربی و آمریکا در برابر موارد نقض حقوق بشر و ارزش‌های انسانی در یمن، عربستان سعودی و به ویژه بحرین و برعکس، توجه ویژه آن‌ها به موضوع سوریه ناشی از رویکرد دوگانه غرب در برابر بازیگرانی است که هژمونیک بودن آمریکا در منطقه را نپذیرفته‌اند.

۲) از دیدگاه روسیه، ایران و سوریه در کنار یکدیگر نه تنها به عنوان بازیگرانی موازنه کننده در برابر محور محافظه کار عربی به ایفای نقش پرداخته‌اند، بلکه به عنوان مانع مهمی در برابر تسلط کامل آمریکا و هژمونیک شدن نظم منطقه‌ای (خاورمیانه) بوده‌اند.

۳) به باور روس‌ها، غرب سعی در تحمیل ارزش‌های خود در منطقه خاورمیانه و بنا بر ادعای آمریکا، مدیریت تحولات منطقه را دارد. اگرچه این امر با مقاومت‌های جدی از سوی مردم منطقه مواجه شده است.

۴) سوریه و ایران همواره به عنوان مانع مهمی در مقابل تسلط کامل آمریکا در منطقه بوده‌اند. از این روست که مسأله سوریه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهمیت است. مجموعه عوامل تضعیف احتمالی محور مقاومت از طریق سوریه و تغییر جهت احتمالی سیاست خارجی این کشور با روی کارآمدن متحدان غرب - از طریق تداوم یا تشدید بحران جاری سوریه و فروپاشی نظام سیاسی این کشور یا حاکم کردن هرج و مرج بر آن توسط کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها و نیز مطابق با تلاش و سناریوی

کشورهای غربی - یکی از عوامل برهم زدن توازن منطقه‌ای و حتی جهانی به نفع غرب خواهد بود (قربانی، ۱۳۹۳: ۶۳).

۸-۲. عراق

پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام حسین، عراق اهمیت فزاینده‌ای برای ایران یافته است. علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری عراق، یکی از مهم‌ترین اهداف ایران از برقراری روابط با این کشور طی سالهای گذشته مقابله با نفوذ آمریکا بوده است. درسالهای گذشته، روابط مسکو و بغداد نیز به ویژه در حوزه انرژی و صادرات تسلیحات نظامی افزایش یافته است. به نظر می‌رسد روسیه در حال بازسازی جایگاهش به عنوان یک بازیگر راهبردی در خاورمیانه است و روابط با عراق می‌تواند بخش مهمی از این مسیر باشد (Trenin, 2012: 8-12). البته شواهد نشانگر آن است که ارزش و اهمیت عراق برای روسیه بیش از مسائل امنیتی، سیاسی و اقتصادی است.

نکته قابل تأمل در این زمینه، پیوند مسائل امنیتی سوریه و عراق است. ریشه بسیاری از گروه‌های تروریستی فعال در سوریه به عراق برمی‌گردد. تغذیه بسیاری از گروه‌های فعال در جنگ سوریه نیز از طریق مرزهای نه‌چندان مستحکم عراق صورت می‌گیرد. علاوه بر این، موقعیت ژئوپلیتیکی عراق مسأله‌ای مهم در برقراری صلح و ثبات در منطقه به حساب می‌آید. همچنین کشور عراق به عنوان یک دولت عربی می‌تواند نقش میانجی گرانه مفیدی برای ایران و روسیه ایفا نماید. مجموعه این عوامل باعث اضافه شدن عراق به محور ایران-روسیه-سوریه در منطقه شد (Kaim & Tamminga, 2015: 1). با اضافه شدن حزب الله لبنان به این کشورها، شاهد شکل‌گیری ائتلاف جدیدی بر علیه نفوذ غرب در منطقه هستیم. علل و عوامل ذکر شده موجب شد تا عراق به عنوان محور مشترک اقدامات ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه قرار گیرد و با تأسیس اتاق عملیات مشترک بغداد، نقش پررنگ‌تری ایفا کند. این مرکز که بیشتر کارکردی اطلاعاتی دارد، مرکز هماهنگی اطلاعاتی میان ایران، عراق، سوریه و روسیه می‌باشد. اما مأموریت‌های این اتاق، تأمین کمک‌های میدانی مستقیم در جریان وقوع عملیات یا نبردها است و این بدان معنی است که نه تنها

نقش این اتاق از ارائه گزارش‌های روزانه فراتر می‌رود بلکه ماهیت این اتاق و ساختار و تمایل آن به جلوگیری از هر گونه نفوذ مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا بوده است.

نتیجه‌گیری

ایران و روسیه پیش از این نیز در برخی بحران‌های منطقه‌ای مشارکت داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به جنگ داخلی تاجیکستان و بحران افغانستان اشاره کرد. اما همکاری‌های پس از بحران منطقه خاورمیانه به لحاظ سطح و عمق متمایز از موارد پیشین است. در این زمینه، روابط سیاسی و امنیتی دو کشور در سطح خاورمیانه با تثبیت ساختار روابط از طریق مکانیزم‌های حقوقی، افزایش گفتگوهای سیاسی، توسعه مبادات تسلیحاتی و نظامی، افزایش همکاری‌ها در حوزه انرژی صلح آمیز هسته‌ای، ارتقاء جایگاه در اسناد سیاست خارجی و توسعه همکاری‌ها در زمینه روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی ارتقاء یافته است. در سطح منطقه‌ای نیز دو کشور همکاری‌های بسیار سازنده‌ای با یکدیگر داشته‌اند. بالاترین سطح همکاری‌ها در بحران سوریه صورت گرفته است. علاوه بر این، دو کشور در مسائل عراق (مبارزه با تروریسم) و میانجیگری در بحران سیاسی قطر نیز مشارکت داشته و همکاری‌های خود را در سازمان‌های بین‌المللی اوراسیایی همچون سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ارتقاء داده‌اند. نهایتاً دو کشور در سطح بین‌المللی هم سوئی پیشین خود را در خصوص نظم بین‌المللی مطلوب افزایش داده، در سازمان ملل با حضور چین به موازنه نرم پرداخته و در شکل‌گیری و حفظ برجام همکاری‌های سازنده‌ای را صورت داده‌اند. این همکاری‌ها موجب تأثیرگذاری در فرایند شکل‌یابی نظم جدید خاورمیانه شده است که متفاوت از نظم پیشین می‌باشد. این برای اولین بار است که صف‌بندی ایران، روسیه، عراق، سوریه و لبنان در کنار برخی بازیگران غیردولتی همچون حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن نقشی تعیین کننده در نظم آتی خاورمیانه گذرانده و با نظم تحمیلی ایالات متحده به مقابله پرداخته‌اند.

در این راستا، روابط نوین ایران و روسیه در نظم جدید به لحاظ سطح، عمق، مؤلفه‌ها، گزاره‌ها، انگیزه‌ها و محرکه‌ها، ارزش‌ها، منافع و ابزارها دچار تغییر شده و ساختار جدیدی به خود گرفته است. به نحوی که روابط جدید در چارچوب الگوهای سنتی روابط میان دو

کشور قابل فهم و تحلیل نیست. مشارکت راهبردی یکی از الگوهای نوینی از روابط میان کشورهاست که با ویژگی‌های منحصر به فردش از قابلیت تبیین بیشتری در این زمینه برخوردار است. مشارکت راهبردی الگویی زمینه محور از روابط میان دولت‌ها بوده که به سطح بالای روابط میان دو کشور اشاره دارد. اما ماهیت غیررسمی که کاهش هزینه‌های تعهد را در پی دارد و انعطاف‌پذیری سیاسی، حقوقی و شرایط خاص ایجاد آن موجب تمایز این الگو از اتحاد، ائتلاف، مشارکت و همکاری گردیده است. به لحاظ انطباق راهبردی، ایران و روسیه در زمینه‌هایی مانند دیدگاه مشترک به نظم جهانی و مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا، اعمال تحریم‌های بین‌المللی، فرآیندهای گسترش ناتو، کارکرد توافقی متقابل دو کشور، نقش مکمل مزیت‌های نسبی امنیتی - سیاسی در بحران سوریه و نهایتاً دیدگاه مشترک در خصوص ثبات منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم، تفاهم دارند. به لحاظ سیستمی نیز می‌توان مخالفت با نظم تحمیلی ایالات متحده و شکل دهی به مؤلفه‌های نظم مطلوب ایران و روسیه در خاورمیانه را برای مشارکت راهبردی دو کشور عنوان کرد. نهایتاً باید مجدداً عنوان کرد که مشارکت راهبردی ایران و روسیه در حال حاضر در مرحله شکل‌گیری است و با شرایط حاضر صرفاً در سطح منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌باشد. ماهیت غیررسمی مشارکت راهبردی دو کشور نیز با وجود برخی اختلاف نظرها و فاکتورهای مداخله‌گری چون رژیم صهیونیستی بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

منابع

- اسمیت، کریستین رئوس. (۱۳۹۲). *سازه انگاری، در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تألیف اسکات برچیل و دیگران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اطهری، اسدالله. (۱۳۹۰). «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها»، پایگاه مجلات تخصصی نور.
- بهمن، شعیب. (۱۳۹۵). «امکان و امتناع شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه»، *مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۶۸.

تقفی عامری، ناصر. (۱۳۹۴). *آیا مداخلات نظامی روسیه می‌تواند اوضاع را در سوریه تغییر دهد؟* مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی، شماره ۷۵

شوری، محمود. (۱۳۹۴). «ایران، روسیه و آینده مسأله سوریه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان.

صادقی سید شمس‌الدین، مرادی سمیرا. (۱۳۹۶). «ایران پساتحریم و چشم انداز ائتلاف راهبردی با روسیه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶ (شماره پیاپی ۵۰).

قربانی، فهیمه. (۱۳۹۳). «بحران سیاسی جاری سوریه و راهکارها»، *مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه*، اردیبهشت ماه.

کرمی، جهانگیر، کرامتی‌نیا، رقیه. (۱۳۹۵). «سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران: از تحریم تا برجام»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۵، پاییز.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

Bassin, Mark and Pozo, Gonzalo (2017) *The Politics of Eurasianism Identity, Popular Culture and Russia's Foreign Policy*, Published by Rowman & Littlefield International, Ltd.

Brzezinski, Z. (2008). *Putin's choice*. In *Global Powers in the 21st Century: Strategies and Relations*, Alexander T.J. Lennon and Amanda Kozłowski (eds.) Cambridge: the MIT Press.

Cadier, David Light, Margot (2015) *Russia's Foreign Policy Ideas, Domestic Politics and External Relations* First published 2015 by PALGRAVE MACMILLAN.

Geranmayeh, e and k. liik. (2016), *the new power couple: Russia and Iran in the Middle East*, **ecfr policy brief**. (186)

Harvey, C. & Sabatini, R. (2010). *Russia's lukewarm support for international sanctions against Iran: history and motivations*. Building a Safer World(NTI), Available at: <http://www.nti.org/analysis/articles/russias-support-sanctions-against-iran> (Accessed on: 29 /8/ 2012)

- Hønneland, Geir (2016) *Russia and the Arctic, Environment, Identity and Foreign Policy*, I.B.Tauris & Co. Ltd.
- Hunter, Shireen T. (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order*. Santa Barbara, Calif: Praeger.
- Kaim, markus, tamminga, Oliver, (2015), *Russia's military intervention in Syria: its operation plan, objectives, and consequences for the west's politics*, swp comments, no. 48, November 2015.
- Katz, Mark N. (2012). *Russia and Iran*. Middle East Policy, Vol. XIX, No. 3, pp.54-64.
- Leichtova, Magda (2014) *Misunderstanding Russia Russian Foreign Policy and the West*, *University of West Bohemia, Czech Republic*.
- Omeličeva, M. Y. (2012). *Russia's Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective*. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol. 14, Issue 3, pp. 331-344, Available at: <http://smallwarsjournal.com/jrnl/art/russiairan-strategic-alliance-or-marriage-of-convenience>.
- Pirchner, H. (2011). *The Russian mind today: a geopolitical guide*», *The American Spectator*, December 2010/January 2011.
- Trenin, D. (2012). *No return to the past for Russia*. *The International Spectator: Italian Journal of International Affairs*”, Sep, Vol. 47, Issue 3.
- Tsygankov, A. P. (2013). *Russia's Foreign Policy: Change and Continuity in National Identity*. Published by Rowman & Littlefield, United Kingdom.
- Tsygankov, Andrei (2019) *Russia's Foreign Policy Fifth Edition*, Published by Rowman & Littlefield, United Kingdom